

پرده نقره‌ای

توضیح کامبیز دیرباز درباره خداحافظی فرامرز قریبیان



کامبیز دیرباز در تازه‌ترین فعالیت خود در آخرین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا با نام «خروج» به ایفای نقش پرداخته است. از نکات جالب همکاری دیرباز با حاتمی‌کیا می‌توان به ایفای نقش کوتاهی پرداخت که به نوعی در کارنامه کاری این بازیگر کم‌سابقه است. کامبیز دیرباز در باره خداحافظی فرامرز قریبیان از دنیای بازیگری اظهار داشت: احساس می‌کنم آن شب در نشست خبری فیلم خروج یک سوء تفاهمی به وجود آمد. چون به هر حال من کنار ایشان نشسته بودم و سر فیلمبرداری نیز با خودشان و پسرش سامان یاد صحبت کرده بودم و اصلاً صحبت خداحافظی مطرح نبود. احساس می‌کنم منظور ایشان این بود که در این فضا و تازمانی که این مدیریت سینمایی البته نمی‌دانم منظور ایشان چه بود؛ به طور کل تازمانی که فضایی که مدنظر ایشان بد هست، کار نمی‌کنند. من چنین چیزی را تصور کردم ولی بلافاصله فیدبک‌ها به این سمت بود که آقای قریبیان از بازیگری خداحافظی کرد. نمی‌دانم و نمی‌توانم از جانب ایشان حرف بزنم؛ ولی اگر ایشان از بازیگری خداحافظی کردند؛ چقدر بد و حیف و آبی به حال ما که آقای قریبیان دیگر نمی‌خواهند بازی کنند. کامبیز دیرباز در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره گالیله‌های بازیگران درباره پیشنهاد نقش‌های تکراری بیان کرد: در اوایل کار می‌گفتم چه زمانی می‌شود که در سینمای ایران جا بیفتیم و دیگر به جای انتخاب شدن خودم نقش‌ها را انتخاب کنیم. این فکر را می‌کردم می‌گفتم سیمرغ بگیرم که گرفتیم؛ گفتم فیلم پر فروش داشته باشم، اخراجی‌ها اتفاق افتاد ولی حالا بعد از ۲۰ سال که از حضورم در تئاتر و سینمای ایران می‌گذرد، به این نتیجه رسیده‌ام که واقعا ذات بازیگر، انتخاب شونده است.

سرگذشت «بنی صدر» سریال می‌شود



کشور ایران طی یک سال اخیر درگیر حوادث متعددی بوده است که بارها برخی از کارگردانان نسبت به ساخت سریال‌هایی براساس این اتفاقات واقعی و به تصویر کشیدن قصه‌های دراماتیک این اتفاقات سیاسی و استراتژیک اظهار علاقه‌مندی کرده‌اند. صداوسیما که ساخت سریال‌های استراتژیک را مدتی است در دستور کار قرار داده است، بنا بر این سریال‌ها را با محور قرار دادن برخی از شخصیت‌های تاریخی و سیاسی معاصر به تولید برساند. از جمله افرادی که قرار است به زودی پروسه تولید یک سریال با محوریت وی آغاز شود ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور پس از انقلاب است. این سریال قرار است به زندگی بنی‌صدر بپردازد و مقطعی از زندگی‌اش از جمله حضور در ریاست جمهوری و عزل از این مقام و سرانجام همراهی‌اش با مسعود رجوی را به تصویر خواهد کشید. این سریال در مرکز سیمافیلیم ساخته خواهد شد و هنوز جزئیات دیگری از تهیه‌کننده یا کارگردان اثر مشخص نیست.

حمله تند جواد رضویان به سودجویان از دلهره مردم



جواد رضویان بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون با نگاهی به جوانمردی‌های زمان جنگ به انبساط کردن ماسک‌ها و واکنش نشان داد. رضویان در صفحه مجازی‌اش به احتکارها و گران‌فروشی‌هایی که بعد از ورود و بروس کرونا به ایران اتفاق افتاده خصوصاً در مقوله «ماسک» و واکنش نشان داد و نوشت: «می‌گفتند زمان جنگ وقتی دشمن بمب‌شیمیایی می‌زد خیلی از زرمند هماماسک‌های خودشان را از صورت برمی‌داشتند و به جوت‌ترهای دادند، امروز هم بعضی‌ها به خاطر دلهره مردم از ویروس کرونا دارند ماسک‌ها را انبار می‌کنند و به قیمت چندین برابر به مردم می‌فروشند، خدایا کفایتن کیاموندن ..... نون در آوردن از این شرایط عین ... است.»

در «دوئت» تاکید بر نماهای پشت سر در سراسر داستان ادامه دار دو ظاهر این تمهیدی روایی است بر گذشته آدم‌های داستان که حال را تحت تاثیر قرار داده است

سپیده که خطاب به حامد از تنفرش می‌گوید، اوج برون‌ریزی است. اصلاً همان صدایی که روی بخش است، نشانه‌ای روان‌نژندی از تلاش کاراکترها برای علنی کردن رازهاست، هر رازی که علنی می‌شود از بسار رازداران کم می‌کند. در فرهنگ عامه هم در میان گذاشتن راز با دیگران اصطلاحاً شخص صاحب راز را سبک می‌کند. حامد و سپیده دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند و «چون پرده برافتند نه تو مانسی و نه من» وصف مختصری از حالشان است. در همین حال و هوا و در یک سوم انتهای این یک‌گراندی‌های مواجهیم که مثل دیوارهای آموزشگاه غالباً روشن و یکدست است و البته دو قاب لانگ‌شات برقی هم داریم، یکی در سکانس مزار و دیگری در همان آموزشگاه که هر دو مرتبط به مسعود هم هست.

ظاهراً کم‌کم قرار است همه چیز روشن شود و مسعود، حامد، سپیده و البته میتو به درک روشنی از واقعیت و آن چه که در گذشته ریشه دارد، برسند. مسعود از دلان آموزشگاه به سمت زندگی خودش می‌رود و راه پله نشانه‌ای از دلان‌های ذهنی حالا برای او سبکی ندارد و از آن طرف هم حامد این بار برخلاف سکانس آغازین فیلم و در بدیلی معکوس از آن به دنبال میتو می‌رود. او در تودرتوهای منزل پدری عاقبت، میتو را روی پله‌ها پیدا می‌کند و گویی تنها داستانی که در فیلم نیمه‌تمام می‌ماند داستان میتو است. شخصاً متوجه نشدم این یک تمهیدی روایی بوده و کار کرد خاصی داشته یا این که صرفاً محصول کم‌حوصلگی فیلمنامه‌نویس بوده است.

سپیده از طریق کاوه متوجه کنکاش همسرش شده و به بهانه یک ناهار دو نفره به محل کار او می‌رود. مادر ابتدا آن‌ها در لانگ‌شات می‌بینیم و دوربین آرام و توامان با داغ شدن گفتگوی دونفره به آن‌ها نزدیک می‌شود. زن و مرد داستان در دو صندلی روبروی هم نشسته‌اند و مادر قاب مورد بحث یک لامپ روشنایی معماری داریم که هندسه‌اش یادآور لامپ اتاق‌های بازجویی است. چراغ دقیقاً به موازات سر مسعود قرار گرفته، انگار این آینه‌ای از ذهنیت مسعود است.

دیالوگ‌های مسعود در این سکانس کاملاً مطالبه‌گر است و او در واقع همسرش را بازخواست می‌کند. توضیح دکوپاژ و میزانسن ظریف این سکانس البته نباید از یاد ببرد که دیالوگ‌ها چقدر دقیق و واقعی است. بحثی که در ابتدای یادداشت نوشتیم در همین سکانس کاملاً نمود دارد و نویسنده به احتمال زیاد چنین فضایی را تجربه کرده، در واقع برخلاف چیدمان میزانسن، واقع‌گرایی و صرفاً گرته‌ای از واقعیت است.

یک سوم انتهای اثر را می‌شود فصل لایه‌برداری از روابط نام گذاشت. حالا همه چیز افشا شده و آدم‌های داستان باید حسابشان را با گذشته یک‌بسره کنند. جایی برای انکار و مامشات نیست. آن سکانس گفتگوی تلفنی حامد و سپیده که گوشه‌ای از دیالوگ است و آن دیالوگ



دوربین اما غالباً با قاب‌هایی مدیوم و عموماً بدون جلوه‌گری سعی می‌کند تمرکز روایی را به هم نزنند. میزانسن و دکوپاژ اما خیلی ظریف و مختصر و مفید دائماً در حال تشدید مضمونی است. در واقع پس از گذر از یک سوم ابتدایی معارفه کاراکترها و در میانه داستان و فصل اکتشاف، انگار فرصت پرداخت میزانسن و دکوپاژ بیشتر شده. از نمونه‌های قابل اعتنا یکی آن سکانس گفتگو-بازجویی مسعود و سپیده و در محل کار مسعود است.

و معشوقی که حالا هر کدام در ازدواج و رابطه‌ای دیگر قرار دارند. نگار جواهریان از همین سکانس ابتدایی حضورش در فیلم به شدت کمینه و مینی‌مال نقش آفرینی می‌کند. بازی مبهم و سکون‌زده چشم‌های او را در یکی از بهترین نقش آفرینی‌هایش قرار داده است. مواجهه حامد و سپیده در سکوت و بهت به پایان می‌رسد و در واقع آتش زیر خاکستر دوباره گداخته می‌شود. می‌ماند ضلع چهارم.

مسعود (علی مصفا) که در ابتدای امر دورترین آدم از این مجموعه است و از همه جایی خیر. او بعد از مواجهه با تغییر رفتار ناگهانی سپیده، نخ روایت فیلم را در دست می‌گیرد و یک سوم میانی در واقع بسان یک اثر معمایی و رازآلود، فصل رازگشایی مسعود از رابطه حامد و سپیده است. علی مصفا برخلاف عادت سینمایی این سال‌های اخیرش در اینجا کنش‌مند و فاعل است و اساساً از جایی به بعد تمهیدات رزنده اوست که به فیلم تمپو می‌دهد. بازی مصفا در تمامی تلاش‌های عاطفی‌اش که جایی میان مهر و تردید است، هم آن سکون مورد انتظار همیشه‌اش را دارد و هم او را در یکی از پرآکت‌ترین بازی‌هایش نشانمان می‌دهد.

شروع می‌شود، او را در ابتدا از پشت سر می‌بینیم که در نور کیود یک کوچه در حال عقب و جلو کردن اتومبیلش است. او در انتهای آن سکانس مجبور به حرکت با دنده عقب می‌شود. تاکید «دوئت» بر نماهای پشت سر در سراسر داستان ادامه دارد و ظاهر این تمهیدی روایی است بر گذشته آدم‌های داستان که حال را تحت تاثیر قرار داده. داستان با پرشی سریع از میتو به همسرش حامد (مرتضی فرشباف) می‌رسد که در حال نوسازی منزل پدری‌اش است، آن‌ها به تازگی از خارج آمده‌اند و پدر حامد هم فوت کرده است.

در اولین سکانسی که از او می‌بینیم او در حال چانه زدن بر سر رنگ دیوارها با نقاش است. خانه هم آشفته و نابسامان و البته در آستانه تغییر است. این‌ها همه می‌توانند انعکاسی از ذهن آشفته و در آستانه تغییر حامد باشد که باید با گذشته‌اش تعیین تکلیف کند. روایت کمی جلوتر می‌رود و این بار نوبت سپیده (نگار جواهریان) است. اولین ملاقات ما با سپیده در شهر کتاب فرشته است. کاوه دوست مشترک حامد و سپیده ترتیب قرار می‌گیرد مثلاً اتفاقی را داده، عاشق

ایمان عبدلی

در پرداخت داستان‌هایی که به روابط ناشنویی می‌پردازند با دو نوع نگرش مواجه هستیم. آن‌هایی که واقع‌نما هستند و ادای واقعیت را درمی‌آورند و به وضوح از تجربه زیسته ناقص سازنده داستان حکایت می‌کنند و آن‌هایی که اتفاقاً دلالت بر تجربه ناب سازنده‌اش دارد. «دوئت» جزو دسته دوم است. شیعی روابط در فیلم دیر به اکران رسیده «نوید دانش» حکایت از این دارد که فیلمنامه‌نویس یا در معرض چنین روابطی بوده و یا عیناً آن را تجربه کرده و همین عنصر هم به عنوان شاخصه یا برگ برنده «دوئت» به چشم می‌آید.

نوشتن عنصر شاخص چون تمرکز این یادداشت و یا نگاه این متن بر اساس وجوهی از فیلم است که احتمالاً ثابت می‌کنند روابط «دوئت» باورپذیر است و پرواضح هم هست که این دلیلی بر پیچیده‌ای بی‌ایراد برای «دوئت» نیست و فیلم ایرادات خودش را دارد.

ما در «دوئت» با مربعی از روابط مواجه هستیم. یک طرف کار مسعود و سپیده و طرف دیگر کار میتو و حامد. داستان با میتو (هدیه تهرانی)

یادداشت

جدل کروناوی بر سر تعطیلی سینماها

کرونا نفس سینما و تئاتر را گرفت

آبان نامجو

خرافه پرست هم که نباشیم این نحوست سال ۹۸ غیر قابل انکار است. تازه داشتیم اتفاقات آبان و دی و آنگلوانا و بنزین و این داستان‌ها را فراموش می‌کردیم که «کرونا» شوخی شوخی، جدی شد. نود و هشت سبج دست‌پر دار نیست و ظاهر اسفندش هم پر حاشیه خواهد بود. هر حاشیه‌ای البته تعریضی هم به فرهنگ و هنر خواهد داشت و حالا تب جامعه که خواهان کنترل «کرونا» است، قرنطینه را پیشنهاد می‌کند. البته تا لحظه نوشته شدن این یادداشت تصمیمی برای قرنطینه گرفته نشده. تجمعات اما از فوتبال تا سینما محدود یا به عبارت دیگر تعطیل شده. درباره سینماها اما در ابتدا سینماها مقاومت کردند.

در ابتدا وزارت ارشاد بیانیه‌ای داد که نشان می‌داد اوضاع خیلی رو به راه نیست: «مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد، نظر به توصیه‌های آکید بهداشتی در شرایط کنونی و ضرورت

پیشگیری مناسب از خطر ابتلا به بیماری و به منظور صیانت از سلامت آحاد جامعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن تشکر از همکاری صنوف مرتبط به اطلاع عموم می‌رساند، تمامی برنامه‌های هنری و سینمایی در سال‌های سراسر کشور تا پایان هفته جاری (۹۸/۱۲/۹) تعطیل می‌شود، بدیهی است تلاطم این وضعیت منوط به بررسی مجدد شرایط و اخذ نظر مراجع ذیصلاح خواهد بود.»

اما این اطلاعیه تازه شروع ماجرا بود و ظاهر برای شورای صنفی «کرونا» خیلی مساله نبود. پس از انتشار اطلاعیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر تعطیلی برنامه‌های سینمایی و هنری کشور تا پایان هفته به خاطر بیماری کرونا، سخنگوی شورای صنفی نمایش خبر داد این اطلاعیه به معنای تعطیلی سالن‌های سینما در کشور نیست.

در حالی که در اطلاعیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده بود «تمامی برنامه‌های هنری و سینمایی در سالن‌های سراسر کشور تا پایان هفته جاری (۹۸/۱۲/۹) تعطیل می‌شود، غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش

گفت: «برنامه اکران سینماها طبق برنامه ادامه دارد و بلیت‌فروشی هم در سایت سینماتیک انجام می‌شود.» او در ادامه توضیح داد: «با توجه به هماهنگی با شورای نظارت و ارزشیابی، اشاره اطلاعیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مربوط به سالن‌های زیر نظر این وزارتخانه است و ارتباطی به سالن‌های سینمای کشور ندارد.»



به دنبال مصاحبه فرجی و تلاش برخی سینماداران برای ادامه فعالیت سینماها با وجود ابلاغیه وزارت ارشاد؛ همایون امیرزاده، مدیر مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوباره تاکید کرد: «در این مدت اجرای تمام تئاترها و نیز اکران فیلم‌های سینمایی متوقف می‌شود.»

ظاهراً در نهایت سینماها تعطیل نشده و مراجعه به سینماتیک نشان می‌دهد که لینک بلیت‌فروشی به طور کلی بسته شده است.